نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ● دوره ۲۵ ● شماره ۳ ● پاییز ۱۳۹۹

تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو مطالعه موردی: منطقه کلانشهری تهران*

اسفندیار زبردست[1]، محمد مهدی عزیزی[2]، بهمن احمدی[3]**

[1] استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
[2] استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
[3] دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۱،تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۳/۱)

چکیده

امنیت سکونت یکی از چالش‌های اساسی در سکونتگاه‌های خودرو است؛ بطوری که از دیدگاه سازمان اسکان بشر، ناامنی سکونت به عنوان چرخه فلاکت و شاخص محرومیت در این نواحی یاد می‌شود. با توجه به جایگاه امنیت سکونت در ارتقای سکونتگاه‌های خودرو، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که «چه معیارهایی بر شکل‌گیری امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو تأثیرگذار می‌باشند؟». در راستای پاسخ به پرسش فوق، دیدگاهی دو سطحی از امنیت سکونت پیشنهاد شده که مطابق آن، ادراک امنیت سکونت به‌طور همزمان از طریق مؤلفه‌های قانونی، عرفی و جمعی صورت می‌گیرد. روش‌شناسی پژوهش حاضر برمبنای روش علّی-تحلیلی بوده و از ابزارهای پیمایش و پرسشنامه، و تکنیک‌های تحلیل عاملی و معادلات ساختاری به منظور سنجش کارایی الگوی پیشنهادی در سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران استفاده شده است. نتایج تحقیق گویای آن است که الگوی تدوین‌شده دارای برازش قابل قبولی بوده و حدود ۹۰ درصد از واریانس امنیت سکونت در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد توسط مدل توضیح داده شده‌است. بررسی میزان تأثیرات مؤلفه‌ها بر ادراک امنیت سکونت نشان می‌دهد که معیارهای وجود شبکه‌های حمایتی (با ضریب ۰/۹۴۷)، انسجام و همبستگی اجتماعی (با ضریب ۰/۷۵۳) و نوع تصرف و سند مالکیت (با ضریب ۰/۶۵۰) بیشترین تأثیر را بر امنیت سکونت داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی

امنیت سکونت، سکونتگاه‌های خودرو، منطقه کلانشهری تهران، تکنیک معادلات ساختاری.

* مقاله حاضر برگرفته از بخشی از مطالعات رساله دکتری نویسنده سوم با عنوان «تبیین مفهوم امنیت سکونت در ارتقای سکونتگاه‌های خودرو؛ موردپژوهی: منطقه کلانشهری تهران» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده اول و مشاوره نگارنده دوم، در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران انجام شده است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۸۴۱، نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۱۵۲۸۲، E-mail: zebardast@ut.ac.ir.

مقدمه

سکونتگاه خودرو عامل برجسته شهرنشینی و الگوی تهیه مسکن برای فقرای شهری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقر در تشکیل این سکونتگاه‌ها عامل محوری بوده و برخی عوامل محلی، ملی و جهانی شکل‌گیری آن را تشدید می‌کند؛ بطوری که پیدایش این نواحی در ابعاد محلی تا حد زیادی ناشی از ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی، فراگیر نبودن قوانین و مقررات شهری و برون افتادن یک گروه اجتماعی از دایره رسمی مسکن است. ایجاد سکونتگاه‌های خودرو بازگو کننده وضعیت گروه‌ها و افرادی است که از حلقه فعال و اصلی یک جامعه رانده شده‌اند و به عنوان «دیگری» مورد توجه قرار می‌گیرند و وضعیت «زیست حاشیه‌ای» را در برابر «زیست متنی» بوجود می‌آورد. ویژگی‌های اصلی سکونتگاه‌های خودرو معمولاً با عواملی نظیر فقدان خدمات پایه و اساسی، فقدان امنیت سکونت، سکونت خانوارهای کم درآمد، توسعه بدون ضابطه و وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی بیان می‌شود (Bapat, 2012; Broegaard, 2016; Garau, 2005). در این میان، فقدان امنیت سکونت یکی از چالش‌های اساسی در این سکونتگاه‌ها می‌باشد (UN-HABITAT, 2008; Patel, 2016; Van Gelder, 2013; Nakamura, 2016)؛ بطوری که بنا به گفته برناکه اسکان بشر سازمان ملل متحد، عامل فقدان امنیت سکونت در نواحی خودرو به عنوان چرخه فلاکت و شاخص محرومیت عمل کرده و پایه‌ای برای سایر محرومیت‌های خانوارها می‌باشد (UN-HABITAT, 2003). مفهوم امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو به‌طور عمده‌ای با حق زیست ساکنان این نواحی گره خورده است و « قابلیت زندگی کردن در یک مکان بدون ترس از دست دادن آن مکان» تعریف شده است (UN-HABITAT, 2003, 11). واقعیت این است که تأمین امنیت سکونت یک اصل اساسی و لازم برای بهبود شرایط زندگی فقرای ساکن در این سکونتگاه‌ها به شمار می‌رود و از بهترین راه حل‌های کاهش فقر و به منزله اولین گام در کاهش آسیب‌پذیری و محدودیت‌های پیش روی زیست فقرای شهری محسوب می‌شود (Nakamura, 2016; Durand-Lasserve, 2006; Kim, 2004; Kundu, 2004; Vries & Lewis, 2009).

پس از تصویب سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در سال ۱۳۸۲، توجه به مسأله امنیت سکونت بخصوص در سکونتگاه‌های خودروی منطقه کلانشهری تهران در سطوح تحقیقاتی و عملیاتی دوچندان شده است؛ بطوری که مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) از امنیت سکونت به عنوان کلید ساماندهی سکونتگاه‌های خودرو در حوزه کلانشهری تهران یاد نموده و سازمان عمران و بهسازی نیز با تأکید بر سند توانمندسازی به دنبال ارتقای امنیت سکونت و احترام به حق زیست ساکنان نواحی مذکور می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع امنیت سکونت و با تأکید بر اینکه ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های خودروی منطقه کلانشهری تهران همواره از دغدغه‌های اصلی نهادهای متولی برنامه‌ریزی فضایی در کشور بوده است؛ می‌توان این پرسش را مطرح نمود «که چه عواملی بر شکل‌گیری امنیت سکونت در نواحی خودرو، نمونه سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران، تأثیرگذار می‌باشند». بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل تبیین‌کننده امنیت سکونت و تعیین شدت اثرات آنها در محدوده مورد نظر می‌باشد.

مبانی نظری

پس از مطرح‌شدن بحث امنیت سکونت در رویکرد خودیاری توسط ترنر در دهه ۷۰ میلادی، مطالعات مختلفی توسط سازمان‌های جهانی (سازمان اسکان بشر و بانک جهانی) در باب بررسی نقش امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو در اکثر کشورهای در حال توسعه، به خصوص در کشورهای قاره آفریقا و آمریکای جنوبی انجام شد. براساس تجارب نظری و عملی سازمان‌های فوق می‌توان گفت که سیر تحول ادبیات موضوع از حق مالکیت (بعد قانونی امنیت سکونت) شروع شده و با گذشت زمان و تجارب حاصل پیاده‌سازی برنامه‌های سندمحور، توجه به شکل‌گیری امنیت سکونت توسط ابعاد فراقانونی، جمعی و ادراکی در کنار بعد قانونی آن، در دستور کار قرار گرفته است. مطالب این بخش نیز براساس سیر تحول بیان شده، تنظیم شده تا امکان دستیابی به چارچوبی علمی برای تبیین عوامل مؤثر بر امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو فراهم شود.

اولین ایده‌های فکری به منظور اعطای حق سکونت و ارتقای امنیت زیست در سکونتگاه‌های خودرو، ریشه در بحث مالکیت و رسمیت بخشی به آن دارد. پیدایش این دیدگاه را می‌توان به نظریات و تحقیقات دسوتو[1] در قالب کتاب راز سرمایه نسبت داد. وی رسمی کردن مالکیت‌ها و دارایی‌های غیررسمی را راز اصلی سرمایه‌گذاری عنوان می‌کند؛ چرا که به زعم وی در نظام مالکیت غیررسمی دارایی‌هایی چون مساکن بدون سند صرفاً به عنوان سرمایه مرده و بیکار تلقی می‌شوند. وی تأکید دارد که سند موجب آزادسازی قدرت اقتصادی مردم می‌شود. خانه‌ای که سند ندارد، از دید او سرمایه مرده است؛ زیرا سازنده نمی‌تواند از آن به عنوان ضمانت برای اخذ وام استفاده کند. اعطای سند به مردم اجازه می‌دهد که وام مسکن بگیرند، به آنها قدرت می‌دهد به اتکای ساختمان قانونی خود، پول نقد و اعتبار تهیه کنند (De Soto, 2000). می‌توان گفت که پشتوانه اصلی ایده فکری مذکور این می‌باشد که سند رسمی به عنوان یک امر لازم و اجتناب‌ناپذیر برای قانونی کردن سکونت و تحرک‌بخشی به بازار مسکن (و به تبع آن کیفیت ساخت‌وساز) در نواحی خودرو است (Smith, 2004; Holden et al, 2007; Bou-quet, 2009). بر پایه تفکرات فوق، پیاده‌سازی برنامه‌های سندمحور به منظور ایجاد امنیت سکونت در نواحی خودرو در دستور کار قرار گرفت. گزارش‌های متعددی بر این واقعیت تأکید دارند که ارائه برنامه‌های سند محور موجب ارتقای امنیت سکونت، سرمایه‌گذاری در مسکن و بهبود دسترسی به خدمات و ارتقای حقوق زنان در بسیاری از کشورها از جمله مکزیک (UN-HABITAT, 2005, 78-79)، هند (Banerjee, 2004)، کلمبیا (Deutsch, 2006, 2)، پرو

(Angel et al, 2006,12) و اکوادور (Lanjouw & Levy, 2002, 115) شده است. با این حال، نتایج تحقیقات متعددی نیز نشان داده است که برنامه‌های سندمحور همواره نتوانسته‌اند به عنوان مشوقی برای سرمایه‌گذاری در مسکن عمل کرده، دسترسی به منابع اعتباری را برای فقرا به فراهم نمایند و بر بهبود کارایی بازارهای زمین و مسکن تأثیرگذار باشند (Durand-Lasserve & Selod, 2009, 108). همچنین، تجارب نشان داده است که پیاده‌سازی برنامه‌های سند منجر به اخراج فقرای شهری بخصوص مستأجرین از این نواحی شده است (Mitchell, 2006). اتو[۲] یکی از منتقدین اصلی برنامه‌های سندمحور، خاطر نشان می‌کند که نظریه دسوتو براساس مناسبات موجود در جوامع سرمایه‌داری غربی، براساس ایده‌های نئولیبرالیسم و در راستای رشد بازار آزاد تعریف شده است؛ در صورتی که شاهد وجود سکونتگاه‌های فقیرنشین در جهان در حال توسعه هستیم. علاوه بر این، دسوتو واقعیت‌های موجود در انواع تملک در کشورهای در حال توسعه از جمله سیستم‌های تملک عرفی و سنتی را نادیده گرفته شده است (Otto, 2009, 175-179).

تجارب بکارگیری رویکردهای سندمحور و تحقیقات متعدد انجام‌شده موجب شدند که ضرورت کاربست ابزارهای قانونی در تصدی امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو زیر سؤال رود و این استدلال بوجود آید که امنیت سکونت صرفاً براساس طبقه‌بندی قانونی حاصل نمی‌شود. در این رابطه، ون گلدر[۳] معتقد است که امنیت سکونت میزان امنیتی است که فرد یا خانوار از موقعیت سکونت خود ادراک می‌کنند و از مجموعه عواملی نشأت می‌گیرد که موجب کاهش احتمال و ترس از تخلیه اجباری در نزد آنها شود. این عوامل می‌توانند قانونی، فراقانونی (عرفی) و یا ناشی از سرمایه‌های اجتماعی ساکنان باشند (Van Gelder, 2009, 450). پژوهش انجام شده توسط داداش‌پور و علیزاده (۱۳۸۹) نیز بر این واقعیت تأکید داشته که در کنار ابزارهای قانونی تبیین کننده امنیت سکونت، معیارهای عرفی و نیمه‌رسمی نیز بر امنیت سکونت ساکنان سکونتگاه خودرو اسلام‌آباد شهر تهران تأثیرگذار بوده است.

همانگونه که بیان شد معیارهای عرفی در کنار معیارهای قانونی یکی از ابعاد تبیین کننده امنیت سکونت به حساب می‌آیند. مطالعات زیادی در ارتباط با شناسایی مؤلفه‌های عرفی امنیت سکونت انجام شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته توسط دسوزا[۴] و پین[۵] اشاره کرد. دسوزا عوامل تأثیرگذار بر امنیت سکونت را به دو دسته کلان و خرد تقسیم‌بندی می‌کند. به نظر وی وجود سند رسمی و مالکیت زمین و مسکن از عوامل کلان تأثیرگذار بر امنیت سکونت هستند. در سطح خرد (سطح عرفی) نیز عواملی چون دسترسی به خدمات شهری، وجود شبکه‌های حمایتی، تراکنش‌های مالی (خرید و اجاره مسکن) و درگیری فیزیکی میان سازندگان مسکن و مالکان زمین می‌توانند در مفهوم‌سازی امنیت سکونت در نزد ساکنان مؤثر باشند (De Souza, 2004). پین خاطر نشان می‌کند که کلیه سطوح امنیت سکونت تنها بر پایه سند رسمی تعریف نمی‌شود. عوامل متعددی چون عدم کاربست سیاست تخلیه اجباری، ایجاد شبکه‌های حمایت سیاسی یا محلی و یا استفاده از مجوزهای سکونت نیز می‌تواند بر میزان ادراک ساکنان از وضعیت تصرفی‌شان تأثیرگذار باشد (Payne, 2001, 421). وی معتقد است تنظیم و ارتقای امنیت سکونت باید بخشی از اقدامات به هم پیوسته باشد که در آن ایجاد فرصت‌های شغلی، مدت سکونت، ارائه خدمات اجتماعی، تأمین زیرساخت‌های حیاتی و گزینه‌های مناسب قانونی برای پاسخگویی به نیازهای همه گروه‌ها به خصوص فقرا، مد نظر قرار گیرد (Payne, 2004, 174).

علاوه بر معیارهای ذکرشده در مطالعات دسوزا و پین، دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های فراقانونی تبیین کننده امنیت سکونت محسوب می‌شود. نتایج پژوهش طبیبیان و احمدی نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات شهری رابطه معنادار و مستقیمی با ادراک امنیت سکونت در محله کشتارگاه داشته است (طبیبیان و احمدی، ۱۳۹۴). در این رابطه، بروگارد[۶] معتقد است که ارائه خدمات و زیرساخت‌ها در قالب برنامه‌ریزی کاربری زمین می‌تواند کمک کند تا حقوق مالکانه زمین توسط شهروندان شناخته شود (Broegaard & et al, 2017, 179). مطالعات ناکامورا[۷] در سکونتگاه‌های خودرو شهر پونه نیز گواهی بر این موضوع است. وی بیان می‌کند که ساکنین بواسطه امنیتی که بصورت عملی از طریق ارائه خدمات زیرساختی محلی (همچون مراکز درمانی، آموزشی و ...) توسط دولت‌های محلی حاصل شده، به تدریج خانه‌های خود را تثبیت و محیط زندگی خود را بهبود داده‌اند (Nakamura, 2017, 184). در کنار ارائه خدمات و زیرساخت‌ها، عملکرد نهادهای مدیریت شهری در زمینه تلاش برای بهبود سکونتگاه و احترام به حق سکونت ساکنان نقش بسزایی در تبیین امنیت سکونت داشته است (Patel & et al, 2011, 51). ریگان[۸] خاطر نشان می‌کند که تلاش نهادهای مدیریت شهری به منظور بهبود وضعیت زیست در این نواحی از طریق ارائه خدمات و زیرساخت‌ها می‌تواند نقش عمده‌ای در فرایند اعتماد آفرینی داشته باشد. وی بیان می‌کند که برگزاری جلساتی با حضور مردم تحت عناوینی چون کارگاه‌های آموزش برنامه‌ریزی، افزایش مهارت‌ها و ... می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای حس امنیت سکونت ساکنان داشته باشد (Rigon, 2016, 2769).

پس از معرفی ابعاد قانونی و عرفی تأثیرگذار بر ادراک امنیت سکونت، می‌بایست به بعد جمعی یا اجتماعی آن اشاره کرد که تأثیر بسزایی بر ادراک امنیت سکونت داشته است. امنیت سکونت جمعی توسط سرمایه‌های اجتماعی درون محلی تعریف می‌شود و با سازمان‌یافتگی و همبستگی جامعه محلی ارتقاء می‌یابد (Patel & et al, 2011). براساس نظرات راکودی[۹] و جونز[۱۰] وجود اشتراکات و پیوندهایی براساس قومیت، مذهب، هم ولایتی بودن، خویشاوندی، کارکردهای مالی و منافع شغلی در سکونتگاه‌های خودرو، توانسته شبکه‌های اجتماعی در این نواحی را را شکل داده و در انسجام اجتماعی و به تبع آن افزایش امنیت سکونت مؤثر باشد (Rakodi & Jones, 2002, 135). این امر در سکونتگاه خودرو دره کاتماندو نپال و همچنین، سکونتگاه خودروی کشتارگاه شهر ارومیه مشاهده شده است. همبستگی و انسجام بالای ساکنین دره کاتماندو موجب شده که آنها به صورت جمعی با نیروهای خارجی که سکونت آنها

را تهدید می‌کند، مقابله کرده و جلوی تخلیه اجباری و یا تخریب توسط نهادهای دولتی را بگیرند (Shrestha, 2013). بررسی رابطه میان انسجام اجتماعی و امنیت سکونت ادراکی در محله کشتارگاه نشان داده که خانوارهای دارای پیوندهای قومی و خویشاوندی مستحکم‌تر با ساکنین محله، نگرانی کم‌تری از تخلیه اجباری دارند و ساکنان را حامی سکونت خود می‌دانند (احمدی و امین‌زاده، ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان گفت که میزان امنیت سکونت جمعی تا حدود زیادی به سطح همبستگی جامعه محلی، شدت روابط قومی، خویشاوندی، مذهبی و ...، توانایی بسیج کردن ساکنان، حمایت و پشتیبانی ساکنین از یکدیگر و به‌طور کلی انسجام جامعه برای مقاومت و بقا در سکونتگاه بستگی دارد (Van Gelder, 2009; Kiddle, 2011; Patel, 2013).

با توجه به آنچه بیان شد، در یک دسته‌بندی کلی می‌توان امنیت سکونت را از چهار دیدگاه قانونی، عرفی، اجتماعی (جمعی) و ادراکی مورد بررسی قرار داد. دیدگاه امنیت سکونت قانونی، حق سکونت را به عنوان یک ساختار قانونی و معادل حق مالکیت رسمی در نظر گرفته است. براساس این دیدگاه، وجود سند رسمی عدم قطعیت در مورد مالکیت و حقوق مالکانه را از بین برده و اجازه می‌دهد که در صورت تجاوز به این حق، صاحب حق توانایی دادخواهی از مراجع رسمی و دولت را داشته باشد. دیدگاه امنیت سکونت عملی یا عرفی، صرف نظر از اینکه وضعیت قانونی اعمال شده یا خیر، ناظر بر کنترل عملی (و نحوه استفاده از) زمین و مسکن است. این نوع امنیت عمدتاً توسط مؤلفه‌هایی چون مدت زمان سکونت، حمایت‌های شخص ثالث از ساکنان، دسترسی به خدمات، تجربه تخلیه اجباری و... شکل می‌گیرد. امنیت سکونت جمعی بر سرمایه‌های درون گروهی موجود در سکونتگاه تأکید دارد و به میزان همبستگی، انسجام و مقاومت جامعه در برابر تهدیدات بیرونی (اخراج ساکنین از سکونتگاه) وابسته است. دیدگاه امنیت سکونت ادارکی نیز براساس ادراک ساکنان از وضعیت سکونت آنها حاصل می‌شود و براساس تخمین افراد از احتمال اخراج و تخلیه اجباری و میزان ترس و نگرانی ناشی از آن سنجیده می‌شود. معیارها و شاخص‌های تبیین‌کننده امنیت سکونت در چهار بعد معرفی شده

جدول ۱- معیارها و شاخص‌های تبیین‌کننده امنیت سکونت.

ابعاد	معیارها	شاخص‌ها	مأخذ
قانونی	**نحوه تصرف و سند مالکیت**	– نحوه تصرف زمین و واحد مسکونی – نوع سند مالکیت زمین و اعتبار قانونی آن – نوع سند مالکیت مسکن و اعتبار قانونی آن – میزان اعتبار اسناد مالکیت از دیدگاه ساکنان	- Van Gelder & Luciano, 2015 - Ma & et al, 2015 - Nakamura, 2016 - Reerink & Van Gelder, 2010
عرفی (فراقانونی)	**وجود شبکه‌های حمایتی**	– حمایت نمایندگان مردم از سکونت در محله – حمایت نهادهای دولتی از سکونت در محله – حمایت شهروندان و گروه‌های فعال مدنی از سکونت در محله	- Patel, 2013 - Calderon, 2013 - De Souza, 2001 - Shrestha 2013
	برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	– دسترسی به آب، برق و گاز	- Roy & et al, 2013 - Porio & Crisol, 2004
	برخورداری خدمات پایه محلی	– دسترسی به جاده و شبکه حمل‌ونقل عمومی – کیفیت شبکه دفع فاضلاب – کیفیت نحوه جمع‌آوری زباله – کیفیت جاده‌ها و آسفالت معابر – کیفیت شبکه مخابرات و آنتن‌دهی تلفن همراه – کیفیت روشنایی معابر	- Patel & et al, 2011 - Broegaard, 2005 - Nyametso, 2012 - Nakamura, 2017 - Shrestha, 2013 - Payne, 2002
	برخورداری از خدمات اجتماعی	– عملکرد نهادهای مرتبط با خدمات اجتماعی – عملکرد نهادهای غیردولتی و مردمی خدمات‌رسان به محدوده – خدمات ارائه شده توسط دولت مرکزی	- Winayanti & Lang,2004 - Budds & Teixeria, 2005 - Shrestha, 2013 - Porio & Crisol 2004
	دسترسی به مراکز خدماتی	– دسترسی به مراکز خرید روزانه و هفتگی، مراکز آموزشی، مراکز بهداشتی و درمانی، مراکز اداری–خدماتی و مراکز ورزشی و زمین بازی کودکان	- Shrestha, 2013 - Roy & et al, 2013 - Porio & Crisol, 2004
	مدت سکونت	– مدت سکونت در مسکن فعلی – تمایل برای ادامه سکونت	- Nakamura, 2017 - Van Gelder & Luciano, 2015
	حضور در فرایند تصمیم سازی برای سکونتگاه	– استقبال از شنیدن نظرات ساکنان – نظرخواهی از ساکنان در ارتباط با رفع نیازها و مشکلات محله – احترام به نظرات اخذ شده	- De Souza, 2001 - Shrestha, 2013 - Van Gelder, 2009
	دسترسی به فرصت‌های شغلی و میزان درآمد	– وضعیت اشتغال – میزان درآمد (هزینه) – میزان پاسخگویی درآمد به هزینه‌های خانوار	- Kiddle , 2011 - Patel, 2013 - Khemro & Payne, 2004
	تجربه تخلیه اجباری	– تجربه تخلیه اجباری یا مشاهده تجربه دیگران – دریافت هشدار نسبت به تخلیه – میزان رضایت حکومت محلی از سکونت در محله	- Van Gelder & Luciano, 2015 - Van Gelder, 2009 - Payne, 2004
جمعی (اجتماعی)	**انسجام و همبستگی اجتماعی**	– احساس مسئولیت به سایرین و کمک به رفع مشکلات – وجود اشتراکات قومی و دینی – تمایل همکاری با سایر ساکنان برای حل مشکلات جمعی – (عدم) وجود نزاع و درگیری در میان اهالی محله – شدت روابط دوستی و خویشاوندی – میزان آشنایی و معاشرت با همسایگان و اهالی محله	- Durand-Lasserve, 2002 - Patel, 2013 - De Souza, 1999 - Kiddle, 2011 - Payne, 2002 - Van Gelder, 2009
	مقاومت در برابر تخلیه اجباری	– میزان حمایت همسایگان و آشنایان در برابر تخلیه اجباری – میزان مقاومت ساکنین در برابر تخلیه اجباری – میزان قدرت ساکنین به منظور مقابله با تهدیدات خارجی	- Kiddle, 2011 - Patel, 2013 - De Souza, 2001 - Van Gelder, 2007
ادارکی	**میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری**	– احتمال تخلیه آنی (در زمان فعلی) – احتمال تخلیه در طی ۵ سال آینده – نگرانی از تصرف یا تخریب واحد مسکونی – ترس از تصرف یا تخریب واحدهای مسکونی – نگرانی از بی‌خانمانی پس از تخلیه	- Reerink & Van Gelder, 2010 - Van Gelder & Luciano, 2015 - Van Gelder, 2009 - Roy & et al, 2013 - De Souza, 2001

به شرح جدول (۱) می‌باشد.

چارچوب نظری و مدل مفهومی

براساس مبانی نظری، دسته‌بندی صورت گرفته در جدول: ۱ و همچنین، ویژگی‌های محدوده مطالعه، دیدگاهی دو سطحی از امنیت سکونت پیشنهاد شده است. در این دیدگاه، امنیت سکونت، میزان امنیتی است که فرد یا خانوار از موقعیت سکونتی خود ادراک می‌کند. ادراک این نوع از امنیت به احساسات افراد مثل اضطراب، نگرانی و ترس مربوط بوده و حاصل از امتزاج و ترکیب مؤلفه‌های تبیین کننده امنیت سکونت در ابعاد قانونی، عرفی و جمعی در ذهن افراد می‌باشد (تصویر ۱). در واقع، امنیت سکونت حاصل اثرات ابعاد قانونی، عرفی و جمعی (سطح اول) بر بعد ادراکی (سطح دوم) آن می‌باشد. با این حال، میزان تأثیرات مؤلفه‌های قانونی، عرفی و جمعی (و همچنین روابط درونی میان این ابعاد) بر میزان ادراک ساکنان از وضعیت امنیت سکونتشان در بستر مکان و زمان و شرایط سیاسی و اقتصادی کشورها و حتی شهرها و سکونتگاه‌های واقع در یک شهر متفاوت می‌باشد. بر آنچه بیان شده و به منظور سنجش این روابط و با در نظرگرفتن شرایط حاکم بر سکونتگاه‌های خودرو در محدوده مطالعه، مدل مفهومی این پژوهش در قالب تصویر (۲) تدوین شده است. براساس مدل تدوین شده، کلیه مؤلفه‌ها یک بار به صورت مستقیم و برخی از آنها نیز به صورت غیر مستقیم بر میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری (ادراک امنیت سکونت) تأثیرگذار می‌باشند. به‌طور مثال، نحوه تصرف و سند مالکیت علاوه بر ارتباط مستقیم، می‌تواند بر برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی (آب، برق و گاز) و همچنین، به عنوان یک مؤلفه قانونی بر تجربه تخلیه اجباری تأثیرگذار باشد؛ و بدین صورت از مسیرهای غیرمستقیم بر ادارک امنیت سکونت ساکنان اثر بگذارد.

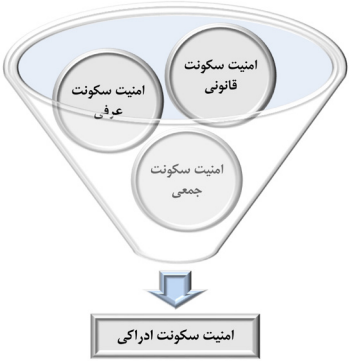

تصویر ۱- امنیت سکونت به مثابه دیدگاهی دو سطحی.

روش تحقیق

براساس چارچوب نظری و به منظور سنجش کارایی مدل مفهومی پژوهش حاضر، روش تحقیق بر پایه روش علی-تحلیلی انتخاب شده است؛ این روش به دنبال تحلیل رابطه علت و معلولی است و از آنجا که پژوهش حاضر نیز به دنبال تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری امنیت سکونت می‌باشد، روش مذکور به‌طور کامل در خدمت هدف پژوهش می‌باشد. در این پژوهش، هم از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و هم از پیمایش میدانی و بررسی شرایط موجود در محدوده مورد مطالعه، برای تدقیق شاخص‌های تحقیق استفاده شده است. مطالعات کتابخانه‌ای، شامل دو بخش مطالعه متون نظری مرتبط و مطالعه طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه کلانشهری تهران، و پیمایش میدانی شامل تهیه پرسشنامه و انجام نمونه‌گیری و همچنین انجام مصاحبه با آگاهان محلی بوده است. در این پژوهش، با استفاده از رابطه کوکران ۴۷۳ خانوار (به ترتیب ۹۵، ۹۶، ۹۲، ۹۶ و ۹۴ خانوار از سکونتگاه‌های خط چهار حصار کرج، حصار امیر پاکدشت، امامزاده علی ورامین، میان‌آباد اسلامشهر و اسلام‌آباد تهران) به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و پرسشنامه‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با تحقیق، تدوین و به روش نمونه‌گیری تصادفی منظم توزیع شده است. فرایند توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در نیمه اول مرداد ماه سال ۱۳۹۷ صورت گرفته و با توجه به روش نمونه‌گیری، براساس تعداد نمونه در هر جامعه و تعداد قطعات مسکونی موجود در هر سکونتگاه، فاصله‌ای مناسب انتخاب شده و نمونه‌گیری در راستای این فواصل انجام شده

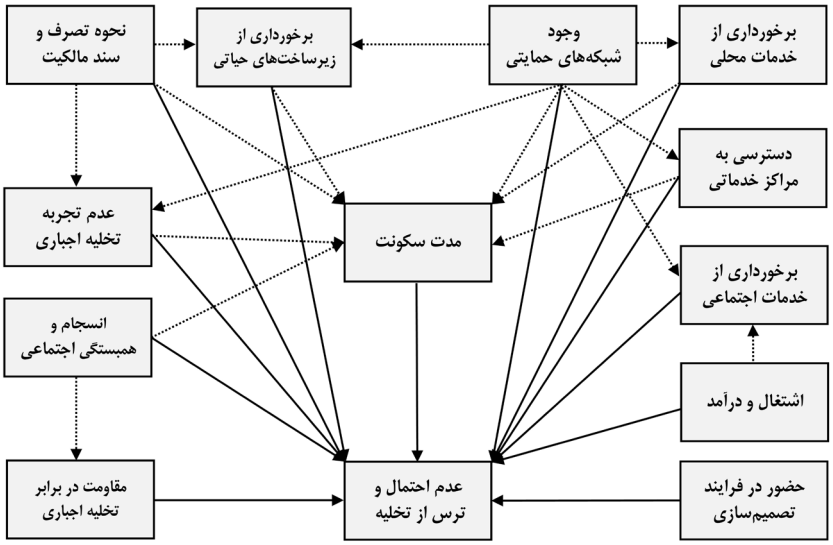

تصویر ۲- مدل مفهومی پژوهش؛ تبیین امنیت سکونت در قالب معیارهای منتخب.

است. همچنین، در راستای کمی‌نمودن اطلاعات کیفی حاصل از پرسشنامه، سؤالات در قالب لیکرت ۵ طیفی طراحی شده است. به منظور تبیین معیارهای کلیدی امنیت سکونت و بررسی اعتبار شاخص‌های در ارتباط با موضوع تحقیق، از تحلیل عاملی تأییدی در محیط نرمافزار AMOS استفاده شده است. در نهایت برای بررسی نحوه و میزان ارتباط شاخص‌ها بر موضوع تحقیق، استفاده از روش معادلات ساختاری در دستور کار قرار گرفته است. در این روش، کلیه اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌ها بر موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و میزان تبیین موضوع مورد نظر نیز (امنیت سکونت) توسط شاخص‌ها مشخص گشته است.

مطالعه موردی: سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران

ویژگی‌های کلانشهر تهران به عنوان پایتخت سیاسی، اداری و تمرکز منابع اقتصادی، اجتماعی، سرمایه و صنعت موجب شده که از دهه‌های گذشته نقش قطبی برتر و منحصر به فرد را در فضای سرزمینی ایران ایفا نماید و با این عمل، بدلیل وجود فرصت‌های شغلی، سیل مهاجران از سایر نقاط کشور به این منطقه سرازیر شده است. در این میان، مهاجران تازه وارد که توانایی اسکان در شهر تهران را نداشته و جذب بازار رسمی زمین و مسکن نشده‌اند، به ناچار در نواحی حاشیه‌ای این شهر، شهرهای مجاور آن و یا مجتمع‌های زیستی اطراف این کلانشهر استقرار یافته‌اند و موجب شکل‌گیری نواحی خودرو متعددی در منطقه کلانشهری تهران شده‌اند. نحوه پراکندگی سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران در مقاطع زمانی ۱۳۴۵ تاکنون حاکی از گسترش شعاع استقرار آنها در پیرامون شهر تهران بوده است. این سکونتگاه‌ها ابتدا در ناحیه جنوب غربی تهران و در مجاورت محدوده استحفاظی و نزدیک به صنایع محور کرج شکل گرفتند. طی دهه‌های بعد با گسترش شمار حاشیه‌نشینان، ابعاد بازار غیررسمی زمین در ناحیه جنوب غربی منطقه رشد کرد و بر شمار سکونتگاه‌های خودرو این ناحیه (داخل و خارج حریم استحفاظی) افزوده شد و همزمان در محورهای ارتباطی جنوب شرقی نیز رشد برخی شهرک‌های خودرو آغاز شد. طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ و در نهایت تا سال ۱۳۹۵، ضمن باقی ماندن تمرکز اصلی سکونتگاه‌های خودرو در ناحیه جنوب غربی تهران، رشد این سکونتگاه‌ها در شرق و در دو محور جنوب شرقی (خاوران و ورامین) و غرب در حاشیه اتوبان کرج و در شعاع دورتر و در فاصله کرج تا آبیک ادامه یافته است.

با توجه به تعداد زیاد سکونتگاه‌های خودرو در منطقه کلانشهری تهران، برای انتخاب سکونتگاه‌های هدف، تصمیم بر آن شد تا ابتدا شهرهای هدف انتخاب و پس از آن، سکونتگاه‌های خودرو واقع در محدوده یا حریم آنها به عنوان سکونتگاه‌های هدف انتخاب شوند. براساس مطالعات طرح آمایش استان تهران (۱۳۸۸)، عمده سکونتگاه‌های خودرو در چهار محور اصلی منتهی به شهر تهران شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. با توجه به این محورها و همچنین ساختار جغرافیایی منطقه کلانشهری تهران، محدوده به ۵ ناحیه شامل ناحیه مرکزی (شهرستان تهران و شمیرانات)، ناحیه شرقی و جنوب شرقی (شامل شهرستان‌های دماوند، فیروزکوه و پاکدشت)، ناحیه جنوبی (شامل شهرستان‌های پیشوا، ورامین و ری)، ناحیه جنوب غربی (شامل شهرستان‌های اسلامشهر، شهریار، قدس، بهارستان، رباط کریم و ملارد) و ناحیه غربی (شامل شهرستان‌های کرج، فردیس، نظرآباد، ساوجبلاغ، اشتهارد و طالقان) تقسیم‌بندی شدند. سپس براساس نحوه پیدایش، روند جمعیت‌پذیری، شدت توسعه سکونتگاه‌های خودرو و قابلیت تعمیم‌پذیری، شهرهای تهران، پاکدشت، ورامین، اسلامشهر و کرج به عنوان شهرهای هدف انتخاب شدند. پس از انتخاب شهرهای هدف، انتخاب سکونتگاه‌های هدف در محدوده یا حریم این شهرها با استفاده از روش‌های زیر در دستور کار قرار گرفته است:

- مطالعه طرح‌ها و برنامه‌های مصوب مرتبط با سکونتگاه‌های خودرو در شهرهای هدف؛ اعم از طرح توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای تهران (۱۳۹۵)، کرج (۱۳۸۷)، اسلامشهر (۱۳۸۸)، ورامین (۱۳۹۱) و پاکدشت (۱۳۹۴)
- مصاحبه با کارشناسان سازمان عمران و بهسازی شهری به عنوان نهاد متولی توانمندسازی سکونتگاه‌های خودرو در کشور و کارشناسان شهرداری در شهرهای مربوطه
- بازدید میدانی از سکونتگاه‌ها

در نهایت با هدف تعمیم‌پذیری سکونتگاه‌های منتخب به سکونتگاه‌های خودروی منطقه کلانشهری تهران و با در نظرگرفتن معیارهایی چون نحوه شکل‌گیری، رشد و توسعه، نحوه مالکیت و اسناد مالکیت زمین و مسکن، موقعیت سکونتگاه‌ها نسبت به شهر اصلی، دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها، ترکیب قومی، ساختار اقتصادی و... سکونتگاه‌های هدف به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

- اسلام آباد به عنوان سکونتگاهی خودرو واقع در بافت درونی شهر تهران؛
- خط چهار حصار به عنوان سکونتگاهی در حاشیه شرقی شهر کرج؛
- امامزاده علی به عنوان بخشی از محله سکینه بانو در حاشیه جنوبی شهر ورامین؛
- میان‌آباد به عنوان سکونتگاهی خودرو در مجاورت اسلامشهر؛
- حصار امیر به عنوان سکونتگاهی با پیشینه روستایی در پیرامون شهر پاکدشت.

با توجه به نحوه انتخاب سکونتگاه‌های هدف می‌توان گفت که نتایج و یافته‌های این پژوهش به سایر سکونتگاه‌های خودروی منطقه کلانشهری تهران قابل تعمیم است.

تبیین معیارها توسط تحلیل عاملی تأییدی

به واسطه چارچوب نظری ارائه‌شده و روش‌شناسی مورد توجه در خدمت آن، تحلیل عاملی تأییدی در خصوص تبیین معیارهای کلیدی امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران انجام گرفته است. بدین منظور در مجموع ۴۸ شاخص (یا سنجه) در ارتباط با ۱۳ معیار تبیین‌کننده امنیت سکونت، در نظر گرفته شده است. پیش از انجام تحلیل عاملی تأییدی به تفکیک هر یک از معیارها، لازم است تا توزیع نرمال داده‌ها و امکان وقوع پدیده هم‌خطی[11] مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور ابتدا چولگی و کشیدگی داده در نرم‌افزار SPSS محاسبه گشت و سپس با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف[12] از توزیع نرمال داده‌ها اطمینان

حاصل شد. همچنین، احتمال وقوع پدیده هم‌خطی توسط آماره تحمل[۱۳]و ضریب VIF مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که احتمال وقوع این پدیده کم است. بر این اساس با اطمینان از مناسب‌بودن داده‌ها، تحلیل عاملی تأییدی توسط نرم‌افزار AMOS انجام گرفت. جدول (۳) نتایج و جزئیات مربوطه در این زمینه شامل امتیاز میانگین، بار عاملی، میزان پایایی، میانگین واریانس استخراجی و حداکثر مجذور واریانس مشترک را ارائه می‌کند.

پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی و به منظور اطمینان از مدل تبیین شده، می‌بایست برازش، پایایی و روایی مدل مورد سنجش قرار گیرد. بر این اساس، به منظور ارزیابی برازش مدل، از شاخص‌های نیکویی برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد استفاده شده است. نتایج (جدول ۲) گویای این موضوع است که برازش مدل خوب و قابل قبول است.

پس از ارزیابی مناسب‌بودن برازش مدل، نوبت به بررسی پایایی و روایی می‌رسد. به منظور بررسی پایایی استفاده از ضریب پایایی سازه‌ای[۱۴] (CR) در دستور کار قرار گرفته است. لازم به ذکر است که پایایی سازهای به نوعی جایگزینی برای آلفای کرونباخ در تحلیل معادلات ساختاری است و میزان آن می‌بایست از ۰/۷ بیشتر باشد. جدول (۳) نشان می‌دهد که میزان پایایی سازهای کلیه معیارها بیش از ۰/۷ بوده و به این ترتیب پایایی مدل مورد تأیید قرار گرفته است. برای سنجش روایی نیز از معیارهای تعیین شده در روایی همگرایی و روایی افتراقی استفاده شده است. روایی همگرایی بدان معناست که نشانگرهای (شاخص‌های) طراحی شده جهت اندازه‌گیری یک سازه (معیارهای تبیین کننده امنیت سکونت) همبستگی بالایی داشته باشند. با توجه به اینکه بارهای عاملی کلیه شاخص‌ها و میانگین واریانس استخراجی کلیه‌ها معیارها به ترتیب بیش از ۰/۷ و ۰/۶ می‌باشند، می‌توان به این نتیجه رسید که شروط روایی همگرایی در مدل برقرار شده است. روایی افتراقی نیز به دنبال آن است تا نشانگرهای یک معیار با نشانگرهای معیارهای دیگر همبستگی بالایی نداشته باشد و از هم متمایز باشند. یکی از شروط اصلی برقراری روایی افتراقی این است که میانگین مجذور واریانس هر معیار از حداکثر مجذور واریانس مشترک آن معیار بزرگتر باشد. با توجه به جدول (۳) می‌توان دریافت که مدل تدوین شده از لحاظ روایی افتراقی نیز مورد تأیید است. براساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت که مدل دارای برازش، پایایی و روایی مطلوبی است و برای تحلیل معادل ساختاری و تبیین میزان اثرات معیارها بر یکدیگر مناسب است.

پردازش صورت‌گرفته بر روی امتیاز عوامل در نتیجه بکارگیری تحلیل عاملی تأییدی، در قالب طیف ۵ قسمته لیکرت (جدول۳) نشان می‌دهد که سنجه‌های معیار نحوه تصرف و سند مالکیت (معیار تبیین‌کننده امنیت سکونت قانونی) در بازه ۳/۱۱ تا ۳/۸۱ می‌باشد که بیانگر وضعیت متوسط تا خوب این معیار در تبیین امنیت سکونت می‌باشد. در ارتباط با معیارهای تبیین کننده امنیت سکونت عرفی یا فراقانونی می‌توان گفت که شاخص‌های معیار برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی (۴/۱۸ تا ۴/۳۷) در بازه خوب تا خیلی‌خوب، شاخص‌های معیار برخورداری از خدمات پایه محلی (۲/۱۱ تا ۴) در بازه ضعیف تا خوب، شاخص‌های معیار حضور در فرایند تصمیم‌سازی (۱/۷۶ تا ۲/۸۴) در بازه خیلی ضعیف تا متوسط و شاخص‌های معیار دسترسی به مراکز خدماتی (۲/۲۴ تا ۳/۰۷) در بازه ضعیف تا متوسط قرار دارند. همچنین، شاخص‌های معیارهای برخورداری از خدمات اجتماعی (۲/۰۵ تا ۲/۳۶) و اشتغال و میزان درآمد (۲/۲۱ تا ۲/۶۸) دارای وضعیت ضعیف و نسبتاً متوسط، و شاخص‌های معیارهای وجود شبکه‌های حمایتی (۲/۷۶ تا ۳/۲۵)، تجربه تخلیه اجباری (۲/۸۶ تا ۳/۱۴) و مدت سکونت (۲/۸۴ تا ۲/۳۴) دارای وضعیت متوسط می‌باشند. شاخص‌های معیارهای انسجام و همبستگی اجتماعی و مقاومت در برابر تخلیه اجباری به عنوان معیارهای تبیین کننده امنیت سکونت از دیدگاه جمعی یا اجتماعی به ترتیب در بازه‌های ۲/۸۸ تا ۳/۳۰ و ۲/۹۸ تا ۳/۲۵ قرار گرفته‌اند که نشان از وضعیت متوسط تا نسبتاً خوب امنیت سکونت جمعی در محدوده مورد مطالعه دارد. امتیاز شاخص‌های تبیین کننده امنیت سکونت ادراکی نیز در بازه ۲/۹۸ تا ۳/۲۰ قرار گرفته که بیانگر وضعیت متوسط شاخص‌های میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری می‌باشد.

نتایج حاصل براساس تفکیک سکونتگاه‌های هدف نشان می‌دهد که میان امتیاز کلیه معیارهای تبیین کننده امنیت سکونت در سکونتگاه‌های اسلام‌آباد، امامزاده علی، حصار امیر، خط چهار حصار و میان‌آباد، در طیف لیکرتی ۵ قسمته، به ترتیب برابر ۲/۸۴، ۳/۲۲، ۳/۳۲، ۲/۸۸ و ۳/۰۸ می‌باشد. بر این اساس می‌توان اظهار نمود که میزان امنیت سکونت ساکنان در محدوده حصار امیر در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر سکونتگاه‌های مذکور بوده و اسلام‌آباد نیز از این حیث در رتبه آخر قرار گرفته است. تصویر (۳)، وضعیت معیارهای تبیین‌کننده امنیت سکونت را در ارتباط با مطالعه موردی

جدول۲- شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری (سنجش) امنیت سکونت.

شاخص	برازش مطلق			برازش تطبیقی			برازش مقتصد		
	Chi-Square	CMIN/DF	GFI	CFI	IFI	NFI	PCFI	AGFI	PNFI
نتایج	۱۷۲۰،۸۹۲	۲،۲۸۰	۰،۹۱۳	۰،۹۴۵	۰،۹۴۶	۰،۹۰۷	۰،۸۱۳	۰،۸۵۳	۰،۷۸۰
قاعده	-	۳ >	۰،۹ <	۰،۹ <	۰،۹ <	۰،۹ <	۰،۵ <	۰،۸ <	۰،۵ <

جدول۳- نتایج و جزئیات مربوط به تحلیل عاملی تأییدی به تفکیک هر یک از معیارها.

معیارها	شاخص‌ها	میانگین امتیاز	بار عاملی	میزان پایایی (CR)	میانگین واریانس استخراجی	حداکثر مجذور واریانس مشترک
نحوه تصرف و سند مالکیت	نحوه تصرف زمین و واحد مسکونی	۳٫۸۱	۰٫۹۱	۰٫۹۲۰	۰٫۷۴۲	۰٫۳۸۶
	سند مالکیت زمین و اعتبار قانونی آن	۳٫۱۱	۰٫۹۰			
	سند مالکیت مسکن و اعتبار قانونی آن	۳٫۴۲	۰٫۸۱			
	اعتبار اسناد مالکیت از دیدگاه ساکنان	۳٫۴۱	۰٫۸۲			
وجود شبکه‌های حمایتی	حمایت نمایندگان مردم از سکونت	۳٫۰۳	۰٫۹۴	۰٫۹۵۱	۰٫۸۶۵	۰٫۴۴۱
	حمایت نهادهای دولتی از سکونت	۲٫۷۶	۰٫۹۴			
	حمایت شهروندان و گروه‌های فعال مدنی	۳٫۲۵	۰٫۹۱			
برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	دسترسی به آب	۴٫۳۷	۰٫۸۷	۰٫۹۱۷	۰٫۷۸۷	۰٫۲۸۷
	دسترسی به برق	۴٫۱۹	۰٫۹۲			
	دسترسی به گاز	۴٫۱۸	۰٫۸۷			
برخورداری خدمات پایه محلی	دسترسی به جاده و شبکه حمل‌ونقل عمومی	۲٫۶۷	۰٫۸۲	۰٫۸۸۸	۰٫۷۷۲	۰٫۴۱۰
	کیفیت شبکه دفع فاضلاب	۲٫۲۱	۰٫۷۷			
	کیفیت نحوه جمع‌آوری زباله	۲٫۵۷	۰٫۷۵			
	کیفیت جاده‌ها و آسفالت معابر	۲٫۵۸	۰٫۷۹			
	کیفیت شبکه مخابرات و آنتن‌دهی تلفن همراه	۴٫۰۰	۰٫۷۶			
	کیفیت روشنایی معابر	۲٫۷۰	۰٫۷۸			
برخورداری از خدمات اجتماعی	عملکرد نهادهای مرتبط با خدمات اجتماعی	۲٫۳۶	۰٫۸۲	۰٫۸۴۶	۰٫۶۴۶	۰٫۲۴۲
	عملکرد نهادهای غیردولتی و مردمی خدمات‌رسان	۲٫۰۵	۰٫۷۶			
	خدمات ارائه شده توسط دولت مرکزی	۲٫۳۲	۰٫۸۳			
دسترسی به مراکز خدماتی	دسترسی به مراکز خرید روزانه و هفتگی	۳٫۰۷	۰٫۷۲	۰٫۸۸۴	۰٫۶۰۳	۰٫۴۴۲
	دسترسی به مراکز آموزشی	۲٫۶۹	۰٫۸۱			
	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	۲٫۲۴	۰٫۷۷			
	دسترسی به مراکز اداری-خدماتی	۲٫۳۲	۰٫۷۸			
	دسترسی به مراکز ورزشی و زمین بازی کودکان	۲٫۴۷	۰٫۸۰			
مدت سکونت	مدت سکونت در مسکن فعلی	۳٫۳۴	۰٫۹۴	۰٫۹۳۵	۰٫۸۵۸	۰٫۲۳۸
	تمایل برای ادامه سکونت	۲٫۸۴	۰٫۹۱			
حضور در فرایند تصمیم سازی	استقبال از شنیدن نظرات ساکنان	۲٫۲۶	۰٫۸۹	۰٫۹۱۶	۰٫۷۸۵	۰٫۳۱۱
	نظرخواهی از ساکنان در ارتباط با نیازها و مشکلات	۲٫۱۳	۰٫۹۶			
	احترام به نظرات اخذ شده	۱٫۷۶	۰٫۸۰			
اشتغال و میزان درآمد	وضعیت اشتغال	۲٫۶۸	۰٫۹۴	۰٫۹۰۷	۰٫۷۶۶	۰٫۳۴۳
	میزان درآمد (هزینه)	۲٫۳۷	۰٫۸۸			
	میزان پاسخگویی درآمد به هزینه‌های خانوار	۲٫۲۱	۰٫۸۰			
تجربه تخلیه اجباری	(عدم)تجربه تخلیه اجباری یا مشاهده تجربه دیگران	۳٫۱۴	۰٫۷۵	۰٫۸۲۷	۰٫۷۲۷	۰٫۳۳۹
	(عدم) دریافت هشدار نسبت به تخلیه	۲٫۸۶	۰٫۸۰			
	رضایت حکومت محلی از سکونت در محله	۲٫۸۸	۰٫۸۹			
انسجام و همبستگی اجتماعی	احساس مسئولیت نسبت به اهالی محل	۳٫۰۰	۰٫۸۷	۰٫۹۴۳	۰٫۷۰۴	۰٫۵۲۱
	وجود اشتراکات قومی و دینی	۳٫۲۹	۰٫۸۶			
	تمایل همکاری با سایر ساکنان برای حل مشکلات	۲٫۸۸	۰٫۸۱			
	(عدم) وجود نزاع و درگیری در میان اهالی محله	۳٫۱۶	۰٫۸۲			
	شدت روابط دوستی و خویشاوندی	۳٫۲۰	۰٫۸۵			
	آشنایی و معاشرت با همسایگان و اهالی محله	۳٫۳۰	۰٫۸۳			
مقاومت در برابر تخلیه اجباری	حمایت همسایگان و آشنایان در برابر تخلیه اجباری	۳٫۲۵	۰٫۹۳	۰٫۹۲۵	۰٫۸۰۶	۰٫۳۳۹
	مقاومت ساکنین در برابر تخلیه اجباری	۳٫۱۱	۰٫۹۲			
	قدرت ساکنین به منظور مقابله با تهدیدات خارجی	۲٫۹۸	۰٫۸۴			
میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری	(عدم) احتمال تخلیه آنی (در زمان فعلی)	۳٫۲۰	۰٫۹۵	۰٫۹۶۵	۰٫۷۶۶	۰٫۴۲۳
	(عدم) احتمال تخلیه در طی ۵ سال آینده	۳٫۱۵	۰٫۹۴			
	(عدم) نگرانی از تصرف یا تخریب واحد مسکونی	۳٫۱۳	۰٫۹۲			
	(عدم)ترس از تصرف یا تخریب واحدهای مسکونی	۲٫۹۸	۰٫۹۰			
	(عدم) نگرانی از بی‌خانمانی پس از تخلیه	۲٫۹۸	۰٫۸۹			

تصویر۳- وضعیت معیارهای تبیین‌کننده امنیت سکونت به تفکیک سکونتگاه‌های هدف.

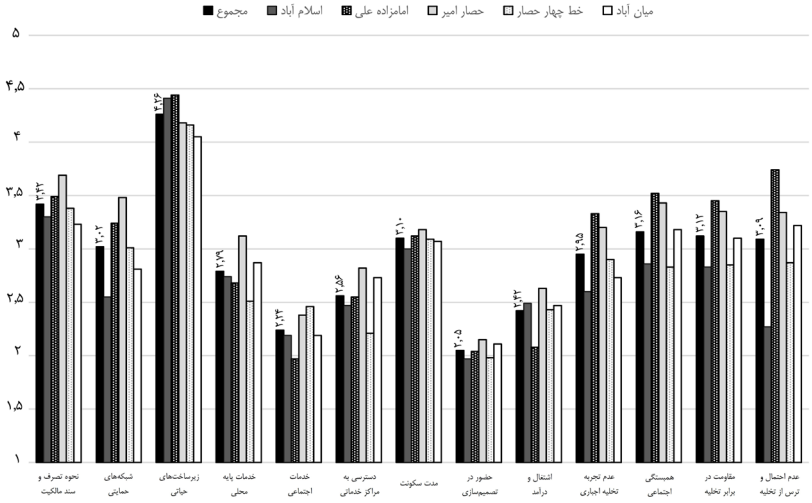

در مقیاس کل و نیز به تفکیک هر یک از سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد.

تعیین نحوه و شدت ارتباط معیارها بر امنیت سکونت توسط معادلات ساختاری

پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی و اطمینان از مناسب‌بودن مدل برای تحلیل معادلات ساختاری، براساس مدل پیشنهادی در چارچوب نظری (تصویر۲)، اثرات۱۲ مسیر مستقیم و ۲۳ مسیر غیرمستقیم در قالب ۲۸ رابطه، بر میزان احتمال و ترس ساکنان از تخلیه اجباری (امنیت سکونت ادراکی) مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که ساختار کلی مدل در سطح معناداری ۹۹/۹ به تأیید رسیده و ۸۹/۷ درصد از واریانس امنیت سکونت ادراکی توسط مدل توضیح داده شده است. نتایج بیانگر آن است که معیارهای برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی و حضور در فرایند تصمیم‌سازی رابطه معناداری با احتمال و ترس از تخلیه اجباری نداشته و بدین ترتیب۱۰ مسیر مستقیم مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، بر اساس جدول (۴)، روابط شماره ۳، ۹، ۱۷ و ۲۳ معنادار نبوده و بدین ترتیب۱۰ مسیر غیرمستقیم تعریف‌شده فاقد اعتبار بوده و معیارهای تبیین‌کننده امنیت سکونت (علاوه برارتباط

جدول ۴- نتایج و جزئیات مربوط به تحلیل معادلات ساختاری.

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
۱	نحوه تصرف و سند مالکیت	(عدم) تجربه تخلیه اجباری	۰,۲۴۶	۰,۰۴۹	۰,۲۶۶	۵,۰۵۸	۰,۰۰۰
۲	نحوه تصرف و سند مالکیت	برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	۰,۴۳۴	۰,۰۷۵	۰,۵۰۳	۵,۷۹۷	۰,۰۰۰
۳	نحوه تصرف و سند مالکیت	مدت سکونت	۰,۰۰۳	۰,۲۷۹	۰,۰۰۳	۰,۰۱۰	۰,۹۹۲
۴	نحوه تصرف و سند مالکیت	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۴۰۹	۰,۰۹۸	۰,۵۲۷	۴,۱۵۲	۰,۰۰۰
۵	وجود شبکه‌های حمایتی	زیرساخت‌های حیاتی	۰,۲۵۳	۰,۰۸۰	۰,۲۶۶	۳,۱۴۳	۰,۰۰۲
۶	وجود شبکه‌های حمایتی	برخورداری از خدمات پایه محلی	۰,۵۸۵	۰,۰۳۶	۰,۷۳۵	۲۱,۵۸۶	۰,۰۰۰
۷	وجود شبکه‌های حمایتی	دسترسی به مراکز خدماتی	۰,۵۰۰	۰,۰۳۷	۰,۶۴۸	۱۳,۵۸۱	۰,۰۰۰
۸	وجود شبکه‌های حمایتی	(عدم) تجربه تخلیه اجباری	۰,۵۶۴	۰,۰۵۶	۰,۶۵۱	۱۳,۶۲۰	۰,۰۰۰
۹	وجود شبکه‌های حمایتی	مدت سکونت	۰,۱۹۵	۰,۹۸۸	۰,۱۷۵	۰,۱۹۸	۰,۸۴۳
۱۰	وجود شبکه‌های حمایتی	برخورداری از خدمات اجتماعی	۰,۲۷۸	۰,۰۶۳	۰,۳۶۸	۴,۳۹۶	۰,۰۰۰
۱۱	وجود شبکه‌های حمایتی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۱۸۷	۰,۰۵۴	۰,۲۰۳	۳,۴۶۵	۰,۰۰۱
۱۲	برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	مدت سکونت	۰,۰۶۸	۰,۰۳۴	۰,۰۷۸	۲,۰۴۰	۰,۰۰۳
۱۳	برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۵۸	۰,۰۳۶	۰,۰۵۲	۱,۶۰۸	۰,۱۰۸
۱۴	برخورداری از خدمات پایه محلی	مدت سکونت	۰,۰۸۳	۰,۰۹۳	۰,۱۶۲	۳,۴۳۰	۰,۰۰۱
۱۵	برخورداری از خدمات پایه محلی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۲۷۴	۰,۰۴۲	۰,۳۲۰	۹,۹۳۲	۰,۰۰۰
۱۶	برخورداری از خدمات اجتماعی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۱۲۸	۰,۰۶۰	۰,۱۷۶	۲,۱۱۲	۰,۰۰۱
۱۷	دسترسی به مراکز خدماتی	مدت سکونت	۰,۲۸۲	۰,۲۷۱	۰,۱۸۷	۱,۰۴۲	۰,۲۹۸
۱۸	دسترسی به مراکز خدماتی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۲۱۳	۰,۰۷۹	۰,۲۴۳	۲,۶۹۸	۰,۰۰۰
۱۹	مدت سکونت	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۱۹۷	۰,۰۳۶	۰,۲۲۸	۵,۴۴۰	۰,۰۰۰
۲۰	حضور در فرایند تصمیم‌سازی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۰۰۸	۰,۰۴۸	۰,۰۰۶	۰,۱۷۷	۰,۸۵۹
۲۱	اشتغال و درآمد	برخورداری از خدمات اجتماعی	۰,۳۵۲	۰,۰۶۳	۰,۴۷۷	۵,۵۷۷	۰,۰۰۰
۲۲	اشتغال و درآمد	احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۰۹۳	۰,۰۴۵	۰,۱۱۳	۲,۰۵۴	۰,۰۰۲
۲۳	تجربه تخلیه اجباری	مدت سکونت	۰,۱۴۱	۱,۰۸۸	۰,۱۲۹	۰,۱۳۰	۰,۸۹۷
۲۴	تجربه تخلیه اجباری	احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۳۷۳	۰,۰۵۹	۰,۴۲۷	۶,۳۶۶	۰,۰۰۰
۲۵	انسجام و همبستگی اجتماعی	مقاومت در برابر تخلیه اجباری	۰,۸۴۰	۰,۰۴۰	۰,۹۲۵	۲۰,۷۸۲	۰,۰۰۰
۲۷	انسجام و همبستگی اجتماعی	مدت سکونت	۰,۴۸۷	۰,۱۲۹	۰,۳۹۵	۳,۷۵۴	۰,۰۰۴
۲۷	انسجام و همبستگی اجتماعی	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۵۲۹	۰,۰۶۰	۰,۴۴۹	۳,۳۱۰	۰,۰۰۰
۲۸	مقاومت در برابر تخلیه اجباری	(عدم) احتمال و ترس از تخلیه اجباری	۰,۲۰۱	۰,۰۸۸	۰,۲۳۱	۲,۳۰۴	۰,۰۰۱

مستقیم) از طریق ۱۳ مسیر غیرمستقیم بر موضوع مورد مطالعه تأثیر می‌گذارند. نتایج تفصیلی تحلیل انجام شده به شرح جدول (۴) می‌باشد. براساس نتایج حاصل از تحلیل اعم از معناداری رابطه‌ها و میزان ضرایب مسیر (ضرایب رگرسیونی استاندارد)، نحوه ارتباط معیارها بر یکدیگر و میزان اثرگذاری آنها بر امنیت سکونت ادراکی ساکنان سکونتگاه‌های منتخب مشخص شده و در تصویر (۴) آمده است.

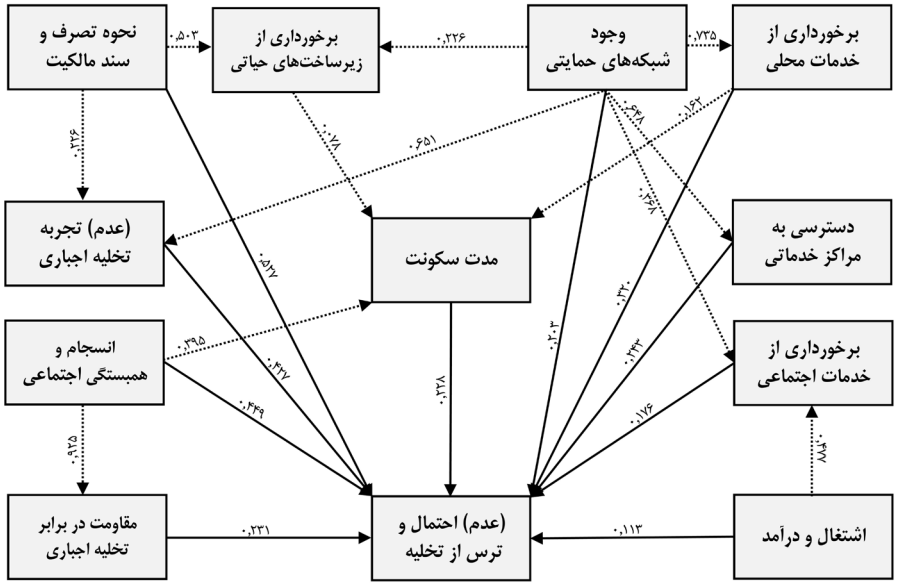

تصویر ۴- نحوه ارتباط و میزان اثرگذاری معیارها بر امنیت سکونت در محدوده مورد مطالعه.

پس از بررسی روابط، می‌بایست مجموع اثرات معیارهای تبیین کننده امنیت سکونت محاسبه شود تا میزان اهمیت و تأثیر آنها بر موضوع سنجیده شود. بر این اساس، مجموع اثرات به صورت حاصل جمع امتیاز مسیر مستقیم و امتیاز مسیرهای غیرمستقیم هر معیار تعریف شده است. در مسیرهای غیرمستقیم میزان اثرات برابر حاصل ضرب کلیه ضرایب مسیر میباشد. به عنوان مثال نحوه تصرف و سند مالکیت زمینه‌های قانونی را برای برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی فراهم نموده و برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی تمایل ساکنان برای سکونت را افزایش داده است و در نهایت، افزایش مدت سکونت از میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری کاسته است. میزان تأثیر نحوه تصرف و سند مالکیت بر احتمال و ترس از تخلیه اجباری از طریق ذکر شده، برابر حاصل ضرب ضرایب سه مسیر میانجی و معادل ۰/۰۰۹ می‌باشد. بر این اساس، کلیه اثرات مستقیم و غیرمستقیم معیارها بر امنیت سکونت ادراکی محاسبه و در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول ۵- سنجش میزان اثرات معیارها بر امنیت سکونت در محدوده مورد مطالعه.

متغیرهای مستقل (مؤلفه‌ها)	میزان تأثیر بر اساس ضرایب رگرسیونی			درصد مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	رتبه تأثیر
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	مجموع		
نحوه تصرف و سند مالکیت	۰,۵۲۷	۰,۱۲۳	۰,۶۵۰	۱۵,۴	۳
وجود شبکه‌های حمایتی	۰,۲۰۳	۰,۷۴۴	۰,۹۴۷	۲۲,۴	۱
برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی	-	۰,۰۱۸	۰,۰۱۸	۰,۴	۱۱
برخورداری از خدمات پایه محلی	۰,۳۲۰	۰,۰۳۷	۰,۳۵۷	۸,۴	۵
برخورداری از خدمات اجتماعی	۰,۱۷۶	-	۰,۱۷۶	۴,۲	۱۰
دسترسی به مراکز خدماتی	۰,۲۴۳	-	۰,۲۴۳	۵,۷	۶
مدت سکونت	۰,۲۲۸	-	۰,۲۲۸	۵,۴	۸
حضور در فرایند تصمیم‌سازی	-	-	-	-	-
اشتغال و درآمد	۰,۱۱۳	۰,۸۴	۰,۱۹۷	۴,۷	۹
(عدم) تجربه تخلیه اجباری	۰,۴۲۷	-	۰,۴۲۷	۱۰,۱	۴
انسجام و همبستگی اجتماعی	۰,۴۴۹	۰,۳۰۴	۰,۷۵۳	۱۷,۸	۲
مقاومت در برابر تخلیه اجباری	۰,۲۳۱	-	۰,۲۳۱	۵,۵	۷

نتایج نشان می‌دهد که معیار نحوه تصرف و سند مالکیت به عنوان یک ابزار قانونی بیشترین اثر مستقیم بر ادراک امنیت سکونت را داشته است؛ بدین صورت که با ثابت نگه داشتن سایر معیارها اگر امتیاز مربوط به این معیار یک واحد استاندارد افزایش یابد، میزان امنیت سکونت ادراکی نیز معادل ۰/۵۲۷ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت؛ البته در صورت لحاظ نمودن اثرات غیرمستقیم این رقم به ۰/۶۵۰ خواهد رسید. با این حال، بررسی مجموع اثرات نشان می‌دهد که وجود شبکه‌های حمایتی (با ضریب مسیر ۰/۹۴۷) و انسجام و همبستگی اجتماعی (با ضریب مسیر ۰/۷۵۳) توانسته‌اند بیش از معیار نحوه تصرف و سند مالکیت بر کاهش میزان احتمال و ترس از تخلیه اجباری ساکنان تأثیرگذار باشند. تجربه تخلیه اجباری نیز با ضریب مسیر ۰/۴۲۷ توانسته اثر قابل توجهی بر ادارک امنیت سکونت داشته باشد. حال اگر معیارها را براساس جدول یک در سه بُعد قانونی، فراقانونی (عرفی) و جمعی دسته‌بندی شوند، مشاهده می‌شود که ادراک امنیت ساکنان سکونتگاه‌های خودرو مناطق کلانشهری تهران، ۱۵/۴ درصد متأثر از عوامل قانونی، ۶۱/۳ درصد متأثر از عوامل فراقانونی و ۲۳/۳ درصد متأثر از امنیت سکونت از دیدگاه جمعی یا اجتماعی می‌باشد.

نتیجه

فقدان امنیت سکونت یکی از چالش‌های اساسی در سکونتگاه‌های خودرو می‌باشد و از آن به عنوان چرخه فلاکت و شاخص محرومیت در این نواحی یاد شده است. با توجه به اهمیت مفهوم امنیت سکونت و در پاسخ به این پرسش که «چه معیارهایی بر شکل‌گیری امنیت سکونت در سکونتگاه‌های خودرو تأثیرگذار می‌باشند»، هدف از انجام پژوهش حاضر، تبیین عوامل مؤثر بر امنیت سکونت در نواحی خودرو می‌باشد. بدین منظور، براساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده، چارچوبی دو سطحی از امنیت سکونت پیشنهاد شده است؛ بدین صورت که مؤلفه‌های قانونی، عرفی و جمعی تبیین کننده امنیت سکونت (به عنوان سطح اول) بر برداشت و درک ساکنان از وضعیت امنیت سکونت آنها تأثیر گذاشته و سطح دوم امنیت سکونت که از میزان احتمال تخلیه اجباری و نگرانی از آن نشأت می‌گیرد، را بوجود می‌آورند. در راستای تدقیق چارچوب نظری۱۳ معیار و ۴۸ شاخص معرفی شده و نحوه اثرگذاری آنها بر ادراک امنیت سکونت مشخص شده است. همچنین، به منظور سنجش میزان کارایی مدل مفهومی و آزمون آن در بستر مکانی، سکونتگاه‌های خودرو منطقه کلانشهری تهران به عنوان مطالعه موردی این پژوهش انتخاب شد و این مهم به واسطه انجام تحلیل عاملی تأییدی و تعیین ضرایب مسیر در قالب معادلات ساختاری، تکمیل و تدقیق شد.

در راستای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق و براساس جدول (۵) می‌توان گفت که هر سه جنبه قانونی، عرفی و جمعی تبیین کننده امنیت سکونت به ترتیب با تأثیر ۱۵/۴، ۶۱/۳ و ۲۳/۳ درصدی، توانسته‌اند بر ادراک ساکنان از وضعیت امنیت سکونتشان تأثیرگذار باشند. تحلیل صورت گرفته گویای این واقعیت است که معیارهای وجود شبکه‌های حمایتی (با ضریب مسیر ۰/۹۴۷)، انسجام و همبستگی اجتماعی (با ضریب مسیر ۰/۷۵۳) و معیار نوع تصرف و سند مالکیت (با ضریب مسیر ۰/۶۵۰) بیشترین تأثیر را بر ادراک امنیت سکونت در نواحی هدف داشته‌اند. علاوه بر این، تجربه تخلیه اجباری نیز تأثیرات قابل توجهی بر امنیت سکونت داشته؛ بطوری که میزان احتمال و نگرانی از تخلیه اجباری در محله اسلامآباد که بیشتر در معرض تهدید و تخلیه اجباری قرار داشته، نسبت به سایر سکونتگاه‌ها دارای تفاوت معناداری می‌باشد. این یافته‌های تجربی تأییدی بر مطالعات نظری در ارتباط با موضوع امنیت سکونت است؛ بخصوص مطالعات ون گلدر در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ که معتقد است ادراک امنیت سکونت به‌طور همزمان از طریق جنبه‌های قانونی، فراقانونی و سرمایه‌های اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های خودرو حاصل می‌شود.

در راستای مقایسه نتایج این پژوهش با تجارب عملی ارتقای امنیت سکونت در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ (پیاده‌سازی برنامه‌های سندمحور) می‌توان گفت علیرغم اینکه رویکردهای سنتی ارتقای امنیت سکونت بر جنبه قانونی آن تأکید داشته و از سند مالکیت به عنوان ابزار اصلی در این زمینه یاد می‌کنند؛ دستاوردهای پژوهش حاضر نشان داده است که در کنار ابزارهای قانونی، وجود پشتوانه‌های حمایتی بخصوص پشتوانه‌های دولتی و نهادی در راستای پذیرش حق سکونت، تأمین خدمات و زیرساخت‌ها و جلوگیری از تخریب و تخلیه اجباری توانسته‌اند نقش بسزایی در تبیین امنیت سکونت در نواحی خودرو منطقه کلانشهری تهران داشته باشد. بر این اساس می‌توان گفت که امنیت سکونت تنها وابسته به حقوق مالکیت نیست و به عنوان حق زیست در سکونتگاه‌های خودرو محسوب می‌شود. در جایگاه تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش میتوان گفت که براساس جداول (۲ و ۴)، مدل تبیین‌کننده امنیت سکونت در محدوده مورد مطالعه دارای برازش مناسبی بوده و حدود ۹۰ درصد از واریانس امنیت سکونت ادراکی در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد توسط مدل توضیح داده شده است. این امر می‌تواند بیانگر قابلیت بالای تعمیم‌پذیری مدل در سنجش امنیت سکونت در سایر سکونتگاه‌های خودرو باشد؛ گرچه میزان و شدت تأثیر معیارها بر امنیت سکونت بر اساس ویژگی‌های خاص هر محدوده متفاوت خواهد بود.

در راستای نتیجه‌گیری و بر مبنای سهم و جایگاه این پژوهش، باید گفت که امنیت سکونت ابزاری برای به رسمیت‌شناسی حقوق فقرا از طریق گسترش حس بقا، ثبات افراد در سکونتگاه، اجازه دادن به آنها جهت طراحی و ساخت پناهگاه و بکارگیری استراتژی‌های بقا براساس حقوق انسانی است. پایه‌گذاری هر گونه نگرش، ترسیم چشم‌انداز در خصوص امنیت سکونت و در عین حال، بسترسازی، برنامه‌ریزی و اقدام در زمینه ارتقای آن در سکونتگاه‌های خودرو به واسطه توجه همزمان به ابعاد قانونی، عرفی، جمعی و ادراکی امنیت سکونت امکانپذیر خواهد بود. بر این اساس، تدوین برنامه‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های خودرو در راستای ارتقای امنیت سکونت می‌بایست بخشی از اقدامات به هم پیوسته باشد که در آن احترام به حق سکونت، تقویت پشتوانه‌های حمایتی، ارتقای سرمایه‌های دورن محلی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین زیرساخت‌های حیاتی، خدمات محلی و شهری، ارائه خدمات اجتماعی و گزینه‌های مناسب قانونی برای پاسخگویی به نیازهای ساکنین، مد نظر قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. De Soto.
2. Otto.
3. Van Gelder.
4. De Souza.
5. Payne.
6. Broegaard.
7. Nakamura.
8. Rigon.
9. Rakodi.
10. Jones.
11. Multicolinearity.
12. Kolmogorov-Smirnov.
13. Tolerance.
14. Construct Reliability.

فهرست منابع

احمدی، بهمن؛ امین‌زاده، بهناز (۱۳۹۵)، تحلیل اثرات پایداری اجتماعی بر میزان ادراک امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی، مطالعه موردی: محله کشتارگاه شهر ارومیه، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره۲۰، صص ۴۲-۲۹.

داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام (۱۳۸۹)، رابطه بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن در سکونتگاه غیررسمی اسلام‌آباد شهر تهران، *نشریه هویت شهر*، شماره ۷، صص ۳۱-۴۲.

طبیبیان، منوچهر؛ احمدی، بهمن (۱۳۹۴)، تحلیلی بر رابطه میان دسترسی به خدمات شهری و میزان امنیت سکونت ادراکی در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ بررسی موردی: محله کشتارگاه شهر ارومیه، *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، شماره ۱۴، صص ۴۱-۵۸.

علیمحمدی، عباس (۱۳۸۸)، *طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران*، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران، تهران.

مشکینی، ابوالفضل؛ صادقی، یدالله و اکبری، محمد (۱۳۹۲)، امنیت سکونت کلید ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مورد مطالعه: حوزه کلانشهرهای تهران و کرج، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محلی*، شماره ۵۰، صص ۲۱۱-۲۲۲.

مهندسین مشاور آریان راود (۱۳۸۷)، *طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی اسلامشهر و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بربهسازی شهری*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

مهندسین مشاور پرداراز (۱۳۸۸)، *طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرج و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بربهسازی شهری*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

مهندسین مشاور شارستان (۱۳۹۱)، *تهیه برنامه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ورامین و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بربهسازی شهری*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

مهندسین مشاور طرح و معماری (۱۳۹۴)، *تهیه برنامه ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی شهر پاکدشت و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بر بهسازی شهری*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

مهندسین مشاور عرصه (۱۳۹۵)، *تهیه برنامه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تهران و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آنها با تأکید بربهسازی شهری*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.

Angel, S., Brown, D., Dimitrova, D., Orozco, V., Smith, L., & Ernesto, V. (2006), *Secure Tenure in Latin America and the Caribbean: Regularization of Informal Urban Settlements in Peru, Mexico and Brazil*, Woodrow Wilson School of Public and International Affairs, Princeton University, New Jersey.

Banerjee, B. (2004), *Maximizing the Impact of Tenure and Infrastructure Programmes on Housing Condition: the Case of Slums in Indian Cities*, Paper Presented at the International Conference on Adequate and Affordable Housing for All, Research, Policy and Practice, Toronto.

Bapat, M. (2012). *How has Market-Based Slum Redevelopment Worked for the Poor?: The Case of Pune, India*. Bangkok: Asian Coalition for Housing Rights.

Bouquet, E. (2009), State-Led Land Reform and Local Institutional Change: Land Title, Land Markets and Tenure Security in Mexican Communities, *World Development*, Vol.37, No.8, pp. 1390-1399.

Broegaard, R.B. (2005), Land Tenure Insecurity and Inequality in Nicaragua, *Development and Change*, Vol.36, pp. 845-864.

Broegaard, R.B., Vongvisouk, T., & Mertz, O. (2016), Contradictory Land Use Plans and Policies in Laos: Tenure Security and the Threat of Exclusion, *World Development*, Vol.89, pp. 170-183.

Budds, J., Teixeira, P. (2005), Ensuring the Right to the City: Pro-Poor Housing, Urban Development and Tenure Legalization in Sao Paulo Brazil, *Environment & Urbanization*, Vol.17, pp. 89-113.

Calderon, J.A. (2013), Land Tenure and Self-Improvement of Two Latin American Informal Settlements in Puerto Rico and Venezuela, *Urban Forum*, Vol. 24, pp. 49-64.

De Soto, H. (2000), *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Failed Everywhere Else*, Basic Books, New York.

De Souza, F.A.M. (2001), Perceived Security of Land Tenure in Recife Brazil, *Habitat International*, Vol.25, pp. 175-190.

De Souza, F.A.M. (2004), Security of Land Tenure Revised: the Case of CRRU in Recife and Porto Alegre Brazil, *Habitat International*, Vol.28, pp. 231-244.

De Vries, W., & Lewis, J. (2009). Are Urban Land Tenure Regulation in Namibia the Solution or the Problem?, *Land Use Policy*, Vol.26, pp. 1116-1127.

Deutsch, R. (2006), *Beneficiary Assessment of Land Title Recipients under the Land Management and Administration Project*, Prepared for the Ministry of Land Management, Urban Planning and Construction, Phnom Penh.

Durand-Lasserve, A. (2006), Informal Settlements and the Millennium Development Goals: Global Policy Debates on Property Ownership and Security of Tenure, *Global Urban Development*, Vol.2, pp. 1–15.

Patel, B., Joshi, R., Ballaney, S. & Nohn, M. (2011), Slum Planning Schemes: A Statutory Framework for Establishing Secure Tenure and Improving Living Conditions in Indian Slums, *Environment and Urbanization ASIA*, Vol. 2, pp. 45-75.

Patel, K. (2013), The Value of Secure Tenure: Ethnographic Accounts of How Tenure Security is Understood and Realized by Residents of Low-Income Settlements in Durban South Africa, *Urban Forum*, Vol. 24, pp. 269-287.

Patel, K. (2016), Encountering the State through Legal Tenure Security: Perspectives from a Low Income Resettlement Scheme in Urban India, *Land Use and Policy*, 58, pp. 102-113.

Payne, G. (2001), Urban Land Tenure Policy Options: Titles or Rights?, *Habitat International*, Vol.25, pp. 415-429.

Payne, G. (2002), *Land, Right and Innovation: Improving Tenure Security for the Urban Poor*, Intermediate Technology Publishing, London.

Payne, G. (2004), Land Tenure and Property Rights: an Introduction, *Habitat International*, Vol.28, pp. 167-179.

Payne, G. & Khemro B.H. (2004), Improving Tenure Security for the Urban Poor in Phnom Penh, Cambodia: An Analytical Case Study, *Habitat International*, Vol.28, pp. 181-201.

Payne, G., Durand-Lasserve, A. & Rakodi, C. (2009), the Limits of Land Titling and Home Ownership, *Environment & Urbanization*, Vol. 21, pp. 443-462.

Porio, E. & Crisol, C. (2004), Property Rights, Security of Tenure and Urban Poor in Metro Manila, *Habitat International*, Vol.28, pp. 203-219.

Rakodi, C. & Lloyd-Jones, T. (2002), *Urban Livelihoods: A People-Centered Approach to Reducing Poverty*, Earthscan, London.

Reelink, G., & Van Gelder, J.L. (2010), Land Titling, Perceived Tenure Security, and Housing Consolidation in the Kampongs of Bandung, Indonesia, *Habitat International*, Vol.34, pp. 78-85.

Rigon, A. (2016), Collective or Individual Titles? Conflict over Tenure Regularization in a Kenyan Informal Settlement, *Urban Studies*, Vol. 53, pp. 2758-2778.

Roy, A. (2005), Urban Informality: Toward an Epistemology of Planning, *American Planning Association*, Vol.71, No.2, pp. 147-158.

Roy, M., Hulme, D. & Jahan, F. (2013), Contrasting Adaptation Responses by Squatter and Low-Income Tenants in Khulna Bangladesh, *Environmental & Urbanization*, Vol. 25, pp. 157-176.

Shrestha, B.K. (2013), Squatter Settlement in the Kathmandu Valley: Looking Through the Prism of Land Rights and Tenure Security, *Urban Forum*, Vol. 24, pp. 119-135.

Smith, R.E. (2004), Land Tenure, Fixed Investment and Farm Productivity: Evidence from Zambia's Southern Province, *World Development*, Vol.32, No.10, pp. 1641-1661.

UN-Habitat (2003), *The Challenge of Slums*, UN-habitat,

Durand-Lasserve, A., & Selod, H. (2009), *The Formalization of Urban Land Tenure in Developing Countries. In S. V Lall, & R. Rajack (Eds.), Urban Land Markets: Improving Land Management for Successful Urbanization* (pp. 101-132). Dordrecht: Springer Netherlands.

Garau, P. (2005), *A Home in the City*: *Task Force on Improving the Lives of Slum Dwellers*, Earthscan, London.

Gulyani, S., & Bassett, E.M. (2010), the Living Condition Diamond: An Analytical and Theoretical Framework for Understanding Slums, *Environmental and Planning A*, Vol.42, pp. 2201-2219.

Holden, S., Deininger, K., & Ghebru, H. (2007), *Impact of Land Certification on Land Rental Market Participation in Tigray Region*, Northern Ethiopia, Norwegian University of Life Science, Aas.

Kim, A. (2004), a Market without the 'Right' Property Rights, *Economics of Transition*, Vol.12, pp. 275-305.

Kiddle, G.L. (2011), *Informal Settlers, Perceived Security of Tenure and Housing Consolidation; Case Study from Urban Fiji*, a Thesis Submitted to the Victoria University of Wellington in Fulfilment of the Requirements for the Degree of Ph.D. in Geography, Victoria University of Wellington, New Zealand.

Kundu, A. (2004), Provision of Tenurial Security for the Urban Poor in Delhi: Recent Trends and Future Perspectives, *Habitat International*, Vol.28, pp. 259–274.

Lanjouw, J. O., & Levy, P. I. (2002), Untitled: A Study of Formal and Informal Property Rights in Urban Ecuador, *the Economic Journal*, Vol.112, pp. 986–1019.

Mitchell, T. (2006), *The Properties of Markets: Informal Housing and Capitalism's Mystery*, Working Paper No 2, Cultural, Political Economy Working Paper Series, Institutes for Advanced Studies in Social and Management Sciences, Lancaster University, Lancaster.

Nakamura, S. (2016), Dose Slum Formalization without Title Provision Stimulate Housing Improvement? A Case of Slum Declaration in Pune, India, *Urban Studies*, Vol.12, pp. 35-45.

Nakamura, S. (2016), Revealing Invisible Rules in Slums: the Nexus between Perceived Tenure Security and Housing Investment, *Habitat International*, Vol.53, pp. 151-162.

Nakamura, S. (2017), Tenure Security Premium in Informal Housing Markets: A Spatial Hedonic Analysis, *World Development*, Vol.89, pp. 184-198.

Nyametso, J.K. (2012), Resettlement of Slum Dwellers, Land Tenure Security and Improved Housing, Living and Environmental Conditions at Madina Estate, Accra, Ghana, *Urban Forum*, Vol. 23, pp. 343-365.

Ma, X., Heerink, N., Feng, S., & Shi, X. (2015), Land Tenure in China: Comparing Legal, Actual and Perceived Security, *Land Use Policy*, Vol.42, pp. 293-306.

Otto, J.M. (2009), Rule of Law Promotion, Land Tenure and Poverty Alleviation: Questioning the Assumptions of Hernando De Soto, *Rule of Law*, Vol.1, pp. 173-195.

search, Vol. 33, No.1, 126-146.

Van Gelder, J.L. (2010), What Tenure Security? The Case for a Tripartite View, *Land Use Policy*, Vol.27, pp. 449-456.

Van Gelder, J. L. (2013). Then I'll Huff, and I'll Puff, and I'll...: A Natural Experiment on Property Titling, Housing Improvement and the Psychology of Tenure Security, *Urban and Regional Research*, Vol. 37(2), pp. 734-749.

Van Gelder, J. L. & Luciano, E. (2015), Tenure Security as a Predictor of Housing in Low-Income Settlements: Testing Tripartite Model, *Environmental and Planning A*, Vol. 47, pp. 485-500.

Winayanti, L., & Lang, H.C. (2004), Provision of Urban Services in an Informal Settlement: A Case Study of Kampung Penas Tanggul, Jakarta, *Habitat International*, Vol.28, pp. 41-65.

Nairobi.

UN-Habitat. (2005), *Land Tenure, Housing Rights and Gender, Nation and Urban Framework: Mexico*, UN-habitat, Nairobi.

UN-Habitat. (2008), *Secure Land Rights for All,* UN-habitat, Nairobi.

UN-Habitat. (2012), *State of World's Cities 2012/2013*. Prosperity of Cities, UN-habitat, Nairobi.

Van Gelder, J.L. (2007), Feeling and Thinking: Quantifying the Relationship between Perceived Tenure Security and Housing Improvement in an Informal Neighborhood in Buenos Aires, *Habitat International*, Vol. 31, pp. 219-231.

Van Gelder, J.L. (2009), Legal Tenure Security, Perceived Tenure Security and Housing Improvement in Buenos Aires: An Attempt towards Integration, *Urban and Regional Re-*

Explaining the Factors Affecting Tenure Security in Spontaneous Settlements Case Study: Tehran Metropolitan Area*

Esfandiar Zebardast[**1], Mohammad Mehdi Azizi[2], Bahman Ahmadi[3]*

[1]Professor, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran.Tehran, Iran.
[2]Professor, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran,Tehran, Iran.
[3]Ph.D Student of Urban Planning, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran,Tehran, Iran.
(Received: 23 Oct 2018, Accepted: 23 May 2020)

The concept of tenure security in spontaneous settlements is largely linked to the right to live for the inhabitants of these areas and is defined as living in a place without fear of losing it. In other words, tenure security is the right of all individuals and groups to have adequate support against forced eviction. The fact is that securing shelter is a basic and necessary principle for improving the living conditions of the poor that are living in these settlements. Also, it is the best way to reduce poverty and considered as the first step in reducing the vulnerability and constraints facing urban poor. Now this question arises that what factors affect the formation of tenure security in spontaneous settlements. The purpose of this study is to explain the factors affecting the formation of tenure security in Tehran Metropolitan Area. For this purpose, based on theoretical foundations, including important theories and significant researches in association with framework of mentioned objective, a two-level approach to explain the tenure security has been proposed. According to this approach, the merging and combining of factors that create security tenure in legal, de facto, and social dimensions in minds of individuals, make them perceive security. In order to measure the aforementioned model, which was determined by 13 criteria and 48 indicators, the settlements of Eslam-Abad, Khat-e Chahar-e Hesar, Hesar-e Amir, Emamzadeh Ali and Mian-Abad (located in Tehran's metropolitan area) were selected as case studies. The research method of this study is causal-analytic and used the survey include administration and completion of 473 questionnaires which to gather the required information. In order to measure the performance of the proposed model, the techniques of confirmatory factor analysis and structural equation modeling in the AMOS software have been used. The results of research indicate that the model fit is acceptable and about 90% of the security of tenure variance at the 99.9% confidence level is explained by the model. The effect of criteria on the perception of tenure security indicates that the existence of supportive networks (with coefficient of 0.947), cohesion and social solidarity (with coefficient of 0.753), and the criterion of the type of possession and ownership document (with coefficient of 0.650) had the greatest impact on tenure security. Altogether, the legal, de facto, and social dimensions of tenure security, with effect of 15.4, 61.3 and 23.3 percent, have been able to influence the perception of residents security status. According to the findings of this research, it can be said that establishment of any attitude, drawing of vision regarding the tenure security and, at the same time, planning and action to improve it in spontaneous settlements due to simultaneous attention to legal, de facto, social and perceived tenure security will be possible. Accordingly, the promotion of tenure security should be part of interconnected actions such as: respect for the right to live, strengthening of support networks, promotion of local capital, creation of employment opportunities, provision of vital infrastructure, local and urban services, provision of social services and appropriate legal options to meet the needs of residents.

Keywords
Tenure Security, Spontaneous Settlements, Tehran Metropolitan Area, Structural Equation Modeling.

* This article is extracted from the third author's doctoral dissertation, entitled: "Exploring the concept of the security of tenure in improving the spontaneous settlement's condition in Tehran Metropolitan Region" under the supervision of the first author and the advisory of the second author in the School of Urban Planning, University of Tehran.

**Corresponding Author: Tel: (+98-21) 66414841, Fax: (+98-21) 66415282, E-mail: zebardast@ut.ac.ir